

لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاةُ أَهْلِكُمْ وَلَا جُلَاةُكُمْ أَنْ تَأْتُوا بَدِيعَ رَبِّكُمْ وَأَنْ تَكُونُوا مِنَ الْمُجْرِمِينَ

باب «توجه» را برای آنان می‌گشاید و قانون را به نفع نزدیکان و اقربا دور می‌زند.

قرآن کریم به صراحت انسان را از این و سوسه‌اهریمنی بر حذر داشته است: کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین والاقربین... فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا [نساء/ ۱۳۵].

در ادامه می‌فرماید که در غیر این صورت، تبعیت از هوای نفس کرده‌اند (نه از خدای متعال) و این هواپرستی مآل به عدول از حق محوری می‌گراید. لذا، یکی از موانع اجرای عدالت اجتماعی، حب و دل‌بستگی به وابستگان و جانب‌داری از منافع شخصی است.

تعریف عدل همان است که امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه شریف ارائه فرموده است. آن‌جا که فردی پیرامون رتبه عدل در مقایسه با رتبه جود از ایشان سؤال کرد: «العدل یضع الامور مواضعها و الوجود یخرجها من جهتها»: عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، اما جود، آن را از جای خویش بیرون می‌برد. در ادامه می‌فرماید: «العدل سائس عام و الوجود عارض خاص» [نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷]: عدالت سیاستی دامن گستر است، ولیکن بخشش امری موردی و جنبی است.

از این روست که خداوند فلسفه ارسال رسولان و انزال کتاب‌های آسمانی را «اقامه عدل» در جامعه می‌داند [حدید/ ۲۴]. و علی (ع) هم خطاب به ابن عباس می‌گوید، حکومت در چشم من هیچ ارزشی ندارد، مگر آن‌که بتوانم حقی را به صاحب حقی برسانم [نهج البلاغه، خطبه ۳۳]. و جای دیگر در لزوم برگرداندن

لا یجر منکم شنان قوم علی ان لاتعدلوا عدلوا هو اقرب للتقوی [مائده/ ۸]

در آموزه‌های اسلامی، پدیده «عدل و عدالت» سهم به سزایی دارد؛ به طوری که هم در اصول اقتصادی و هم در احکام علمی و اجتماعی وارد شده است. متکلمان شیعه، عقیده به عدل الهی را در زمره اصول پنجگانه عقیدتی قرار داده‌اند و این اعتقاد را، از لوازم اسلامیت و عقیده صحیح به دین برشمرده‌اند؛ با این که خدای متعال صفات متعددی دارد که در دعای جوشن کبیر به ۱۰۰۰ مورد رسیده است.

حضرت باری تعالی، جهان و عالم تکوین را بر پایه عدل آفریده (چنان‌که در تفسیر صافی، آیه هفت، روایت شده که بالعدل قامت السموات والارض)، ملاک سنجش اعمال در روز واپسین را نیز عدل و عدم ظلم یاد کرده (انها ان تک متقال حبه من خردل فتکن فی صخره اوفی السموات فی الارض یات بها الله) [لقمان/ ۱۶]، و متقابلاً از انسان‌ها نیز تقید به عدالت را در نظام اجتماعی خواسته است (ان الله یامر بالعدل والاحسان) [نحل/ ۹۰].

در این مقاله به دو مورد از آیات مشعر به موضوع یاد می‌کنیم:

حب بازدارند از عدالت

بسیار دیده می‌شود که افراد، به ویژه اگر سمت‌های مدیریتی و اجرایی داشته باشند و امضای اینان و زیرنویس آن‌ها نافذ باشد، در مواجهه با خویشان و آشنایان خود، دچار سوسه می‌شوند. اینسان از لغزش و بی‌عدالتی باید به خدا پناه ببرند، والا شیطان

این آیه شریفه را می‌توان از شاهکارهای قرآن کریم در زمینه آموزش اخلاق به حساب آورد

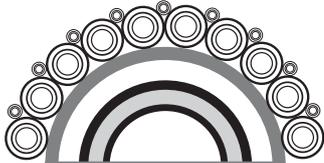
وقتی که عدالت قربانی کینه‌ها می‌شود

کلید واژه‌ها: عدالت، حب، حب بازدارنده

محمد حسن مکارم*

عَدْلٌ لِّوَالِدٍ أَوْ لِوَالِدَةٍ لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْعَدْلِ

متکلمان
شیعه، عقیده
به عدل
الهی را در
زمره اصول
پنجگانه
عقیدتی
قرار داده‌اند
و این اعتقاد
را، از لوازم
اسلامیت و
عقیده صحیح
به دین
برشمرده‌اند



سیمیلیانی
معلم نمونه کشوری
آذربایجان شرقی، سراب
خانم میلانی در روستای قلعه جوق
شهرستان سراب در مدرسه فدک
به خدمت اشتغال دارد و معلوم-
آموزگار مدرسه است. وی به مدت
۲۵ سال آموزگار چندپایه بوده
و همین موجب شده تا به عنوان
معلم نمونه کشوری در سال ۸۹-۹۰
انتخاب شود. پیش از این نیز به
عنوان معلم نمونه در منطقه انتخاب
شده بود. به جز این خاتم میلانی به
دفعات از سوی استانداری، وزارت
آموزش و پرورش و دارالقرآن، به
دلیل حسن همکاری و فعالیتهای
مؤثر مورد تشویق قرار گرفته است.

مثلاً نمره مستمر او را پایین می‌دهد.

در ادارات، بسه و ففور اتفاق می‌افتد که بعضی از ارباب رجوع، به جای کرنش و تواضع و تملق نسبت به کارمند مربوط، با ارائه بخشی‌نامه و مستندات قانونی، به احقاق حق خود می‌پردازند و احیاناً صدایشان بلند می‌شود. در این شرایط، گاه کارشناس مربوط کینه به دل می‌گیرد و پرونده او را زیر می‌گذارد و به اصطلاح او را تنبیه می‌کند. در حوزه طبابت، بعضی اوقات، بیمار به چانه‌زنی برای پرداخت هزینه معالجه و درمان می‌پردازد تا کمی از مخارج خود بکاهد. این اقدام ممکن است پزشک را به تعلل و تسامح در درمان او وادارد.

در حوزه وکالت، بعضی از وکلا یا وکالت طبقه مستضعف را به عهده نمی‌گیرند یا به تناسب حق الوکاله‌ای که از موکل دریافت کرده‌اند، در محکمه از او دفاع می‌کنند؛ در حالی که عدالت حکم می‌کند حب و بغض‌های ناشسی از زیاد یا کم بودن حق الوکاله، تأثیری روی قدرت دفاع وکیل نگذارد.

به نظر می‌رسد که ارگان‌های فرهنگی جامعه باید به اشاعه دقیق فرهنگ قرآنی مبادرت ورزند؛ این آموزه بزرگ قرآنی را که به ظاهر در لفافه یک آیه از سوره مبارکه مائده نازل شده است، کم‌نگیرید. فرزندان نسل جدید باید به همت معلمان و مربیان و استادان حوزوی و دانشگاهی طوری تربیت شوند که عدالت‌گرایی، خلق و خوی آنان و ملکه نفسانی شود، تا آن‌جا که دوستی‌ها، دشمنی‌ها، قبیله‌گرایی و جناح‌بندی‌ها، سدی و مانعی در مسیر اجرای عدالت ایجاد نکند. هم‌چنین، در صحنه‌های فرهنگی، سیاسی، قضایی، اقتصادی و... شاهد حکومت‌ها و حسادت‌ها و کینه‌ها، به جای حاکمیت قانون و عدالت و احسان نباشیم. کارکنان و کارگزاران تحت تأثیر تنوع رفتار ارباب رجوع قرار نگیرند و با سعه صدر و آرامش خاطر به حل مشکل مراجعان، بر مبنای قانون و عدالت رفتار کنند و تفاوتی بین آشنا و غریب نگذارند.

بدیهی است این خود نوعی «مهارت اخلاقی» محسوب می‌شود و آموزش و پرورش و رسانه‌های ارتباط جمعی، بیش از سایرین، متکفل آن هستند. قبل از همه، آموزگار دبستان و دبیر راهنمایی و متوسطه باید متخلق به این خلق زیبا باشد تا افراد تحت تعلیم آنان نیز بر این خلق و خوی مودب شوند و رشد کنند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری سیدرضی، ترجمه دشتی، حکمت ۴۳۷.
۳. نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۳۳.

* مدرس تربیت معلم و مراکز آموزش فرهنگیان استان فارس

اموال بیرون رفته از بیت‌المال توسط یکی از خلفا، بانگ بر می‌آورد که آن‌ها را به صاحبان اصلی برمی‌گردانم، هر چند به کابین زنان رفته باشد. سپس چنین استدلال می‌کند: «فَأَنْ فِي الْعَدْلِ سَعَةٌ...»: عدالت قاعده‌ای فراگیر است و کسی که عدل بر او گران است، قطعاً تحمل ظلم گران‌تر خواهد بود [همان، خطبه ۱۵].

بُغْضُ بَازِ دَارِنْدَه‌از عَدَالَتِ

نه فقط حب، که بغض و عداوت نیز به کرات مانع از اجرای عدالت می‌شود. در آیه هشتم سوره مبارکه مائده که در مطلع سخن آمده سه بار از این آفت عدل‌شکن پرهیز داده است: «مباد که شتئان و کینه‌ورزی با قومی، شما را از عدالت‌محوری باز دارد! عادل باشید که عدالت به موازین تقوا نزدیک است.» در پایان آیه نیز مکرراً تقوا را به رخ می‌کشاند و خبیور بودن خداوند را بر اعمال انسان متذکر می‌شود.

واژه «لا یحیر منکم» به دو معنا می‌تواند باشد: یکی این که «شما را وادار نکنند» و معادل با «لا یحملنکم» است؛ دوم این که «شما را به گناه نکشانند». هر کدام از این دو حالت را برمی‌گزینیم، با توجه به تأکیدی که با کاربرد نون مشدد به عمل آمده است، اخطار به احتمال وقوع حادثه بزرگی دارد و جداً از افتادن در این گرداب هولناک هشدار می‌دهد. این آیه شریفه را می‌توان از شاهکارهای قرآن کریم در زمینه آموزش اخلاق به حساب آورد.

ما پرچم داران و طلیعه‌داران انقلاب فرهنگی در جهان - خواسته یا ناخواسته - مزه‌ذری بین نقادان بین‌المللی و حتی داخلی هستیم. این آموزه والای قرآنی، امروزه حجت را بر همگام تمام کرده است و مسئولان را بیش از مردم عادی کوچک و بازار فرامی‌گیرد؛ از جمله ما معلمان که هر کدام مسئول یک یا چند کلاس هستیم. گاه پیش می‌آید، دانش‌آموزی مرتکب خلاف اخلاقی شود. در این موارد به ویژه اگر اهانتی به ما [معلم] شده باشد، چه بسا برگه امتحانی او را با قلبی بغض‌آلود تصحیح کنیم و با همان دید عادلانه که به او اوراق سایر بچه‌ها نگاه می‌کنیم، به برگه او ننگریم و اگر ارفاقتی به سایرین کرده‌ایم، از او مضایقه کنیم. یا ممکن است دانش‌آموزی، در عالم بچگی خود، با طرح سؤالاتی بالاتر از سطح کلاس، قصد محک زدن معلم را داشته باشد و بخواهد معلومات او را زیر سؤال ببرد که معلم نیز ممکن است کینه او را به دل گیرد و در کاهش نمره امتحانی او اعمال و به اصطلاح تلافی و عقده‌گشایی نماید. پدیده‌ای که از عواقب شوم کلاس‌های خصوصی می‌تواند باشد. گاه شاگرد ضعیف علمی یا عملی معلم یا دبیر کرد او را - به قصد اصلاح - به مدیر مدرسه خیر می‌دهد؛ در مقابل معلم در شناسایی او می‌کوشد و سپس به او و سرنوشته تحصیلی او کینه می‌ورزد؛